

## کرونا و قرنطینه عقلانیت!؟



تجربواستفاده از روشهای سنگواره ای که بطور غیرعقلانی و بصورت مستعجل و با شیوه های «نقل مطابق اصل» کپی برداری میگردد درزنده گی بشر بویژه در تاریخ صد سال آخر مردم جنگ زده افغانستان مطلب تازه ای نیست و نه میتوان آنرا متعلق با یک گروه و یک اندیشه و یا هم یک مقطع خاصی از تاریخ و یک جغرافیای معینی در زمین قلمداد نمود بلکه تجبر پدیده عام در عرصه عیات بشر دانسته میشود که هرگاهی به تقاضای منافع استراتژییک قدرت های جبارو یا هم ازبستر فرهنگ جاهلی و غیر انکشاف یافته مناسبات قبیلوی سر می زند نخستین قربانی ویروس تجبرو روند کپی سازی غیر عقلانی که برای نخستین بار تنه نهضت آزادی خواهانه ای را مجروح ساخت برهبری امان الله خان پادشاه علم پرور و اصلاح طلب افغانستان بود که در شرائط خاصی در جامعه افغانستان بوجود آمده بود، هرچند در دوران پس از سقوط حکمرانی امان الله خان جزر ومد این سیاست به وفور به مشاهده میرسند اما این پدیده کپی سازی غیر عقلانی آنگاه فاجعه آفرید که با افتادن قدرت سیاسی در جامعه افغانستان به رژیم سرکوبگر کودتائی برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان اکثریت قاطع مردم افغانستان مجبوربه فرار و مهاجرت شدند و افغانستان به میدان رقابت کشور های همسایه و قدرت های بزرگ جهانی مبدل گشت و می بینیم که تا به همین ساعات آثار و رسوبات این روند کپی سازی غیرعقلانی را در همه سطوح جامعه به مشاهده میرسد ظهورناگهانی آخرین نسلی از ویروسی موسوم به کرونا که عظمت های خیره کننده وویژه گی های شگفت انگیزبشرامروزی را به مقابله طلبیده است بهترین نمائیشگاهی ازچنین عملیه کپی سازی غیرعقلانی تلقی میگردد لهذا اگر واقعاً باید از وقوع چنین حوادث و بحراناها آموزش وتجربه ودرس بگیریم باید بپذیریم و قبول کرد که ظهورسریع السیر ویروس کرونا وانتشارآن درسرتاسر کره زمین این حقیقت را به واقعیت عینی مبدل ساخت که انسان این نائب برحق خدا درزمین درجهان دهکده مانندی زندگی میکند که لزوماً برای مدیریت این دهکده جهانی نیزباید برمبنای آخرین دست آوردهای علمی وفرهنگی نقشه راهی را تدوین وتسوید نمایند که حامل مؤلفه های روشن توحید، آزادی وعدالت بوده باشد.

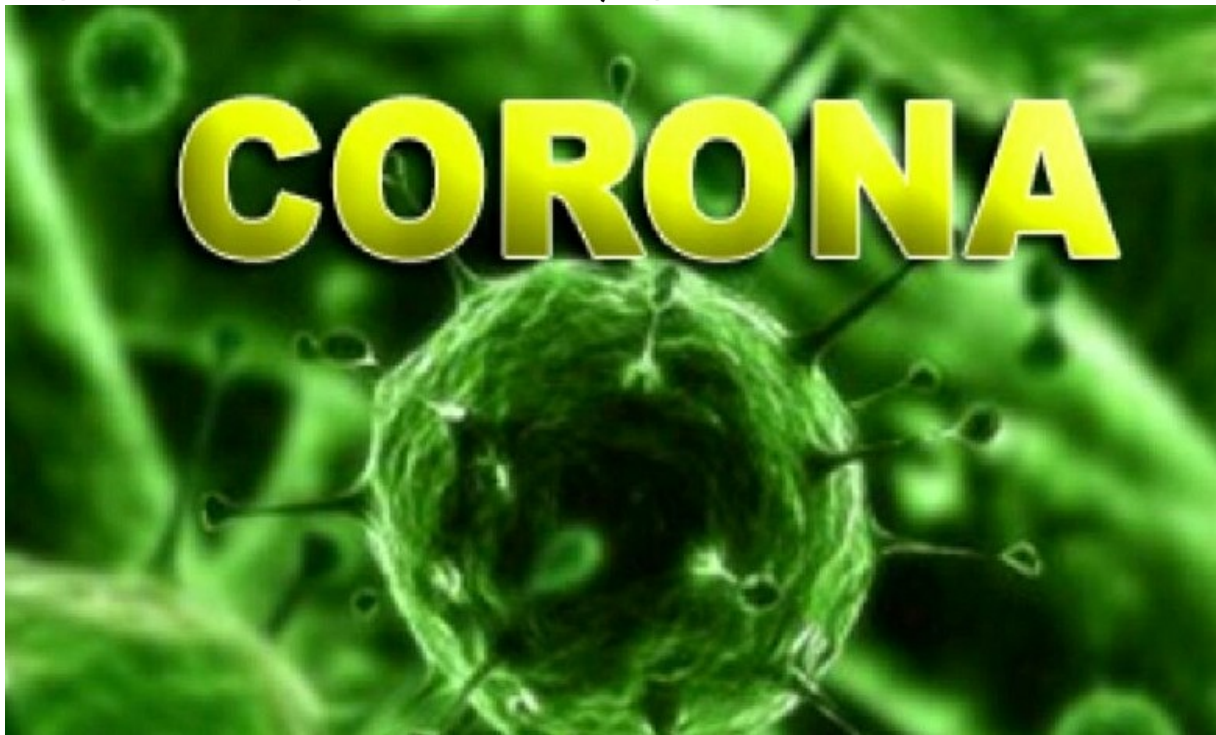


اما با دردوتأسف که ازکمترین عوارض به ظاهر ناگوار قرنطینه ازترس مصاب شدن برویروس جدیدی که بنام کرونا یا همان COVID-19 یاد میشود این است که با اعمال سیاست قرنطینه مطلق در جوامع بشری انسان را نسبت به مسؤولیت های که در قبال سرنوشت انسان وجامعه دارد آرام، آرام بی

تفاوت میسازد تا سر انجام در فرآیند قطع ارتباط انسان با انسان مسأله مشروعیت و مردم سالاری به فراموشی سپرده شود و در بحبوحه چنین فضای ترسناک و مدهش با انحراف افکار عامه از اصل مسأله مشروعیت چند صباحی را در قدرت کاذب سپری کنند . نباید فراموش کرد که با ظهور ویروس جدیدی فرصتی بدست آمده است تا بر کمزوری ها ، غفلت ها و گناهانی که در گذشته انجام داده ایم باندیشیم که چگونه باید آن همه غفلت ها در حوزه زندگی خصوصی و اشتباهات در قبال سرنوشت یک ملت بزرگ و تاریخی را جبران کنیم ؟ و فرصت های را که از دست داده ایم دوباره بدست آوریم. بر نواقص کارگاه طلبانه عزیزانی باندیشیم که با برپائی کمیذبی انتخابات خود را حاکمان منتخب مردم میدانند و با اکتفا بر میز و چوکی و ساختمان و موتور و دفتر و دستک و مواجب فروان دالری بهترین زمینه ها و فرصت ها را از دست مان برده است . این درست است که نه میتوان در برابر بیماری مهلک که از ویروسی بنام کرونا یا همان **COVID-19** بوجود آمده بی تفاوت بود و بدون توجه به اتخاذ تدابیر عقلانی که از سوی مراکز صحتی اعلام میگردد از آن گذشت اما جان کلام اینجاست که باز هم برای ادامه وضعیت ناگوار غیر قابل پذیرش چرا ؟ حال چه شده است که قبل از هر نوع آماده گی برای اتخاذ تدابیر در تک تکی عرصه های زندگی اجتماعی و اقتصادی متصل به سهل ترین راه مقابله با ویروس کرونا یعنی صدور فرمان سقوط ارابه ی حیات عمومی یک جامعه که به فرمان زمام داران و شبه حاکمان صورت می گیرد باید افتاد ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=bXtOCN3RMg0>

امروز ساده اندیش ترین کسانی از جامعه و مردم نیز میدانند که اگر با فتوی های متحجرانه برخی از سوالیه های مذهبی که بدون در نظر گرفتن مصلحت عمومی و رعایت شرائط حفظ الصحتی فتوای بازنگه داشتن مساجد و اماکن عمومی رامیدهند از جانب دیگر فرامین ریأکارانه حاکمان ارگ نیز که زندگی و حیات جامعه را در حالی تعطیل اعلام میکنند که برای پیشبرد زندگی بر امکانات اولیه محرومین و درمانده گان به جز شعار های واهی هیچگونه تدابیری اتخاذ نه می دارند ، این ها یعنی



صادر کننده گان فتوی های متحجرانه و حاکمان ریأکارو مستبد ارگ نشین دورویی همین سبکه اند . هیچکسی نه میتواند انکار کند که در نخستین لحظات هجوم ویرانگرانه و ویروسی بنام کرونا یا همان **COVID-19** برخی از مراجع مافیائی شبه مذهبی بخاطر انحراف افکار عمومی از اصل فرآیند مشروعیت ظهور چنین ویروس مهلک در جامعه را با استفاده از جهل مردم از لحاظ علم لغت تفسیر همچون ظهور امام زمان تفسیر و تعبیر میدارد و آنرا نه عذاب الهی بلکه نشانه قدرت الهی در حوزه امر بالمعروف و نهی از منکر تلقی نمود ؛ چنانچه آخذ مجیب انصاری در یک خطبه داعشی که معمولاً از منبر مسجد گذرگاه هرات و با کسب مواجب از شبکه های استخباراتی ایراد میکند در یکی از روزهای جمعه منبر مسجد گذرگاه هرات را چنین گرم نگه داشته بود :

<https://www.youtube.com/watch?v=IFsXfczkGM8>

از سخنان این آخذ و سائر اذنانب مزد بگير معلوم وهويدامى شود كه قصد دارند دائره کاربرد مشروع رفتارهاى خدماى در جامعه را از حوزه مسؤليت دولت به حوزه هاى فردى منتقل سازند و اصولاً با مؤلفه سياست به عنوان يك اصل عبادى در جامعه بشرى ميانه اى خوبى ندارد و لزوماً نيز نه بايد داشته باشد. البته اين يك واقيعت مسلم و مشهودى است كه چنين گفتمان اقتصادى همواركننده راه تحقق روش رياضتى اقتصاد لبرال است كه با درد و دريغ در جوامع عقب مانده و جهان سوم روبه انكشاف به حيث يك روش مطلوب از سوى حاكمان مافياى قدرت به عنوان يك راه حل بديل تبليغ مى گردد .

<https://www.youtube.com/watch?v=Atv9P4AwwQw>

چنانچه شما نيز در سخنان آقاى رئيس اشرف غنى تمسك به اين روش را درحالى از اقدامات تدافعى مى بينيد كه در همان سخنان اش نيز عوام الناس را بصورت ملتسمانه به اعلاميه اى وزارت خارجه ايالات متحده امريكاجعت مى دهد وبه زبان ديپلوماتيك و اعلام شكست اش راه مذاكره وگفتگورا با ايالات متحده امريكا كه بزرگترين تمويل كننده مالى افغانستان ميباشد باز اعلام ميدارد. لهدابدون هرگونه سياسى كارى و فرصت طلبى و نزاع هاى مرسوم برسرقدرت مافياى در جامعه مجروح افغان بايد گفت و اعلام داشت كه نه فتواهاى براى انسداد و توقف فرآيند تسبيح و عبادت كه فراتر از اراده بالفعل انسان بر همه كائينات وهستى مستولى بوده است و نه هم فرمانهاى غير عقلانى كه باذهنيت مادى گرايانه ومنفعت طلبانه از سوى داروغه هاى قدرت در راستاى بقاى زمام قدرت ديكتاتورى خويش بدان متوصل ميگردند راه حل و نجات انسان از ويروس مهلك وكشنده اى كه گلون همه شهروندان را بدون تميز به داشتن ثروت و قدرت مى فشارد

<https://www.youtube.com/watch?v=8BO1ldVn37E>

بنابراين امروز كه غرب همه انسانها بويزه مردم مظلوم وستمدیده افغانستان را از پايگاه ذاتى و فرهنگى بيرون آورده و آنها را به صورت برده هاى نياز مند و ذليل و چسپيده ومقلدان غيرعقلانى ساخته است . تاريخ چهاردهه آخير مردم افغانستان گواه واقيعت دردناك تبعيت از چنين كاپى سازى غيرعقلانى و شعارى بوده است كه از يكطرف شبه روشنفكران جامعه ما به عنوان تجربه ء ضد استبداد مذهبى در اروپا جدائى دين از دولت را مطرح ميكنند و آنرا با ادبيات وترمنولوژيى كاملاً بيگانه و خشونت پرور تبليغ ميكنند و در برابر اين روند مفتيان وشواليه هاى مذهبى با نفى كامل هرگونه " سيكولاريزاسيون " و ديگرگونى كه در اين هستى روبه تكامل و پيشرفت اجتماعى انسان محكوم به آن است آنرا با فتواهاى مذهبى توجيه و تعبير نموده و آفات الهى و بيمارى هاى طبيعى در زمين را بصورت مطلق خيرى مى پندارند .

## تبت بالخير